خبر

رابرت موگابه استعفا داد

● رئیس پارلمان زیمبابوه اعلام کرد که رابرت موگابه، رئیس‌جمهور این کشور، از سمت خود کناره‌گیری کرده است. به گزارش بی‌بی‌سی، به گفته جاکوب مودنا، موگابه نامه استعفای خود را دیروز (سه‌شنبه) ۲۱ نوامبر، به پارلمان زیمبابوه داده و به‌این‌ترتیب روند استیضاح او در مجلس متوقف شده است. اعلام غیرمنتظره استعفای موگابه بعد از ۳۷ سال ریاست‌جمهوری، با شادی و تشویق پرشور نمایندگان پارلمان روبه‌رو شد. تلاش برای کنارگذاشتن موگابه از قدرت از هفته پیش و زمانی اوج گرفت که رهبران نظامی کنترل قدرت را به دست گرفتند. او در روزهای گذشته با وجود درخواست‌ها برای کناررفتن از قدرت، حاضر به استعفا نشده بود. به گزارش خبرنگار بی‌بی‌سی، مردم در خیابان‌های هراره، پایتخت زیمبابوه، با بوق‌زدن‌های ممتد و ابراز شادمانی، استعفای موگابه را جشن گرفتند. آنچه در نهایت باعث کناررفتن موگابه از قدرت شد، برکناركردن امرسون امنانگاگوا، معاون ریاست‌جمهوری، در حدود دو هفته پیش بود. بسیاری این تصمیم موگابه را اقدامی برای هموارکردن راه جانشینی همسر خود به‌عنوان رئیس‌جمهوری آینده زیمبابوه دیدند. همین مسئله باعث دخالت فرماندهان ارتش شد که موگابه را در حصر خانگی قرار دادند.

بیروت برای مقابله با اسرائیل تجهیز می‌شود

آماده‌باش در مرزهای لبنان

● فرمانده کل ارتش لبنان به نظامیان این کشور اعلام کرد برای آنچه او «تهدید اسرائیل» خواند، در مرزهای جنوبی لبنان به حالت آماده‌باش درآیند. به گزارش خبرگزاری رویترز، ژنرال ژوزف عون، اسرائیل را «دشمن» خطاب کرد و همچنین از نیروهای نظامی لبنان خواست برای «اجرای صحیح» قطع‌نامه ۱۷۰۱ سازمان ملل، مبنی بر «حفظ ثبات» در مرز لبنان و اسرائیل آمادگی داشته باشند.خبرگزاری رویترز می‌نویسد در تماس‌هایی که با مقام‌های اسرائیلی گرفته، هنوز موفق به دریافت واکنش به این خبر نشده است. قطع‌نامه مورد اشاره فرمانده کل ارتش لبنان، قطع‌نامه «ترک مخاصمه» است که به جنگ سال ۲۰۰۶ میلادی بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان پایان داد.بر پایه این قطع‌نامه، ارتش لبنان مسئول حفظ امنیت نوار مرزی لبنان با اسرائیل است و حضور گروه‌های دیگر مانند حزب‌الله در این منطقه ممنوع اعلام شده است. در این خط مرزی، بخشی از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد نیز حضور دارند. ژنرال عون در ادامه پیام خود خطاب به نظامیان لبنانی گفت: «وضعیت سیاسی استثنائی که لبنان با آن درگیر شده، نیازمند بالاترین سطح آگاهی و هوشیاری از سوی شماست». وضعیت سیاسی که ژوزف عون به آن اشاره می‌کند، از زمان استعفای ناگهانی سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، ابعاد وخیمی به خود گرفته است.سعد حریری که از متحدان عربستان سعودی به‌شمار می‌آید، به‌تازگی در سفری به ریاض، پایتخت سعودی، استعفای خود را اعلام کرد و خودداری او از بازگشت به لبنان به گمانه‌زنی‌هایی درباره «تحت فشاربودن» او از سوی مقام‌های سعودی دامن زد؛ اتهامی که حریری و عربستان سعودی آن را رد می‌کنند.تشدید احتمال بروز جنگ به‌ویژه پس از آن مطرح شد که عربستان سعودی، بحرین، کویت و امارات متحده عربی پس از استعفای سعد حریری، از شهروندان خود در لبنان، خواستند هر چه زودتر این کشور را ترک کنند. در این میان، روزنامه جروزالم پست نوشت: «با کناررفتن سعد حریری، در جنگ آتی با لبنان، اسرائیل فضای عملیاتی بیشتری در اختیار دارد». ارتش اسرائیل چند هفته پیش نیز یک رزمایش زمینی را در نزدیکی مرز با لبنان برگزار کرد تا به گفته ژنرال گادی آیزنکوت، فرمانده ارتش، عملیات جنگی احتمالی با حزب‌الله را تمرین کند.

۵۰ کشته در انفجار انتحاری در نیجریه

● پلیس نیجریه اعلام کرد، به‌دنبال عملیات یک عامل انتحاری حین برگزاری نماز صبح در مسجدی در شمال شرق این کشور، دست‌کم ۵۰ نفر کشته شدند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، عثمان ابوبکر، سخنگوی پلیس نیجریه گفت: ما همچنان تلاش داریم تعداد زخمی‌ها را هم مشخص کنیم؛ چون به چندین بیمارستان منتقل شده‌اند. این در حالی است که رسانه‌های محلی تعداد زخمی‌ها را ۵۰ نفر اعلام کرده‌اند.عامل این انفجار انتحاری، نوجوانی در شهر موبی واقع در ایالت آداماوا در شمال شرق نیجریه بود و با وجود آنکه هنوز هیچ گروهی مسئولیت آن را بر عهده نگرفته اما معمولا گروه تروریستی بوکوحرام در پس این‌گونه حملات قرار دارد.گروه بوکوحرام معمولا در ایالت بورنو در همسایگی ایالت آداماوا، فعالیت می‌کند و در سال‌های گذشته مقصر ده‌ها مورد از حملات مشابه بوده است. سخنگوی پلیس نیجریه گفت: عامل انتحاری خود را میان نمازگزاران منفجر کرد.با وجود آنکه محمدو بوهاری، رئیس‌جمهور نیجریه سال گذشته میلادی مدعی شد گروه بوکوحرام «در هم شکسته شده» اما به نظر می‌آید که ادعای او درست نبوده است.

ولادیمیر پوتین و بشار اسد در روسیه با یکدیگر دیدار کردند

تمرکز بر راه‌حل‌های سیاسی

بیش از دو سال پیش در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۱۵، جنگنده‌های روسیه برای اولین‌بار وارد آسمان سوریه شدند و مداخله نظامی روسیه در این کشور رسما آغاز شد تا به موقعیت متزلزل دولت بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، سروسامانی دهند. هوا پس بود و گروه تروریستی داعش و دیگر گروه‌های مسلح مخالف بخش‌های زیادی از خاک سوریه را تحت کنترل خود درآورده بودند. حالا و با گذشت بیش از دو سال از آغاز مداخله نظامی روسیه در سوریه و هدف‌قرارگرفتن مواضع مخالفان و گروه داعش، بشار اسد در حالی که حالا دیگر دست بالا را در سوریه دارد، به دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه رفته است. دو طرف برای اولین بار در دو سال گذشته با یکدیگر دیدار کردند و در مذاکره چهارساعته خود در شهر سوچی به این توافق رسیدند که با به‌پایان‌رسیدن عملیات‌های نظامی در سوریه، باید بر روی یافتن راه‌حل‌های سیاسی متمرکز شد. این دیدار روز دوشنبه صورت گرفت اما کرملین روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای جزئیات آن را منتشر کرد؛ بشار اسد از ولادیمیر پوتین برای «نجات کشورش و حمایت روسیه از سوریه» تشکر کرد. دیدار دو طرف پیش از نشست هفته جاری درباره بحران سوریه صورت گرفت؛ نشستی که سران کشورهای ترکیه و ایران هم در آن حضور دارند و هدف آن، یافتن راهکارهای سیاسی برای آینده سوریه است. در بیانیه کرملین آمده است که ولادیمیر پوتین در ادامه دیدار خود با اسد با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و برخی سران کشورهای عربی و با امیر قطر نیز تلفنی گفت‌وگو و مشورت خواهد کرد.ولادیمیر پوتین در دیدار خود با اسد گفت: «تا پیروزی کامل بر تروریسم راهی طولانی در پیش داریم. با این‌حال تا آنجا که به همکاری چندجانبه ما در سوریه مرتبط است، این واقعیت دارد که عملیات نظامی در سوریه به پایان رسیده است. گمان می‌کنم حالا طبعا مهم‌ترین موضوع این است که برای پرسش‌ها و ابهامات سیاسی پاسخی بیابیم و من خوش‌وقتم که می‌بینم شما هم آماده‌اید با گروه‌هایی همکاری کنید که در پی یافتن راه‌های مسالمت‌آمیزند». بشار اسد در همین دیدار برای مذاکره با گروه‌هایی که به دنبال راهکاری مسالمت‌آمیزند، اعلام آمادگی کرده بود. بشار اسد در این دیدار به ولادیمیر پوتین چنین گفت: «در این مرحله، به‌ویژه بعد از پیروزی بر تروریست‌ها، ما هم علاقه‌مندیم فرایند سیاسی در سوریه را آغاز کنیم و گمان می‌کنیم وضع سوریه از نظر سیاسی به گونه‌ای است که می‌توان به پیشرفت‌هایی از نظر سیاسی دست یافت. ما به حمایت روسیه دلگرمیم که اجازه نمی‌دهد هر کسی در فرایند سیاسی دخالت کند». ولادیمیر پوتین همچنین گفت مایل است اصول به‌جریان‌انداختن فرایند سیاسی و «تشکیل کنگره‌ای از مردم سوریه و البته برخوردار از حمایت بشار اسد» را با او بررسی کند. او ابراز تمایل کرد که از ارزیابی رئیس‌جمهوری سوریه از وضعیت کشورش و چشم‌انداز تحولات آتی و نظر او در مورد راه‌حل سیاسی آگاه شود. بر اساس این گزارش، ولادیمیر پوتین گفت: «به نظر ما فرایند سیاسی حل مشکلات سوریه باید در نهایت تحت نظر و هدایت سازمان ملل متحد به جریان افتد».

ولادیمیر پوتین و بشار اسد آخرین بار ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵ چند هفته بعد از آغاز عملیات نظامی روسیه در سوریه با یکدیگر در مسکو دیدار کردند. به‌نظر می‌رسد به‌طورکلی این دومین‌بار از زمان آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ است که بشار اسد از این کشور خارج می‌شود. برخی ناظران بر این باورند که نشست آتی روسیه احتمالا تلاشی است برای به‌حاشیه‌راندن گفت‌وگوهای صلح ژنو که تحت حمایت سازمان ملل است. در سال‌های اخیر چندین طرح و ابتکار عمل برای پایان جنگ سوریه از سوی جامعه جهانی مطرح شد و در آخرین مورد روسیه، ایران و ترکیه تلاش کردند با هماهنگی هم چهار منطقه «عاری از تنش» در سرتاسر سوریه ایجاد کنند. از آغاز جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون حدود ۴۶۵ هزار نفر کشته و بیش از ۱۲ میلیون سوری از خانه‌های خود آواره شده‌اند.

عکس: GettyImages

استعفای رئیس هیئت عالی مذاکرات سوریه

هم‌زمان با انتشار جزئیات دیدار رؤسای جمهور روسیه و سوریه، چهره‌های کلیدی مخالفان سوریه از جمله ریاض حجاب، رئیس هیئت عالی مذاکرات سوریه که از سال ۲۰۱۵ رهبر مخالفان سوریه در مذاکرات ژنو بود استعفا دادند. ریاض حجاب از ژوئن تا آگوست ۲۰۱۲ نخست‌وزیر دولت سوریه بود و سپس از دولت جدا شد و به مخالفان پیوست. او و دیگر اعضای مستعفی این هیئت در بیانیه مشترکی اعلام کردند که برای پذیرفتن برنامه مذاکراتی که بخشی از شروط آن ماندن بشار اسد در قدرت است، تحت فشار قرار گرفته بودند.به دنبال استعفای ریاض حجاب، هشت نفر دیگر از اعضای این گروه هم از سمت‌های خود کنار رفتند. نام ریاض نعسان آغا، سخنگوی این هیئت نیز در میان استعفادهندگان به چشم می‌خورد. در همین حال، ریاض نعسان آغا گفت: استعفاها از هیئت عالی مذاکرات به این دلیل صورت گرفت که دعوت ما به کنفرانس ریاض۲ نادیده گرفته شد. پیش‌تر یک منبع مخالف گفته بود، سه نامزد جانشینی ریاض حجاب، هماهنگ‌کننده هیئت عالی مخالفان در مذاکرات ژنو نصر الحریری، احمد الجربا و خالد المحامید هستند.

فراتر از خبر

سوریه و مشروعیت سیاسی بشار اسد

فردریک سی.هوف
مدیر مرکز «رفیق حریری»

در دوران دولت باراک اوباما، یکی از جملاتی که بارها در سیاست آمریکا طنین‌انداز شد، این بود که بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، «فاقد مشروعیت است». از دیگر سو، اسد از نگاه روسیه به عنوان رئیس دولتی مصداق بارز و آشکار مشروعیت سیاسی بود زیرا هم در سازمان ملل به رسمیت شناخته می‌شد و هم اینکه تلاش شده بود با توطئه‌های نظامی از قدرت کنار گذاشته شود. حال سؤال اصلی این است که وضعیت بشار اسد بعد از این جنگ داخلی شش‌ساله از لحاظ مشروعیت سیاسی به چه صورت است؟ و اینکه تأثیرات عملی مشروعیت یا عدم مشروعیت (بشار اسد) برای سوریه چه خواهد بود؟

خیزش‌های بهار عربی در سال ۲۰۱۱ از جمله برخی اعتراضات در سوریه، بار دیگر مسئله مشروعیت سیاسی را در کانون توجه قرار داد. هرچند مردم در کشورهای مختلف انگیزه‌های مختلفی داشتند، با این حال یک وجه اشتراک مانند یک نخ تسبیح اعتراضات در مصر، تونس، لیبی و یمن را به هم متصل می‌کرد: این حس که نظام‌های سیاسی حاکم بر زندگی شهروندان رضایت مردمی را که بر آنها حکومت می‌کردند، نداشتند. این اعتراضات، خیزش‌ها و انقلاب‌ها در واقع بازتاب‌دهنده نمره‌ای بود که مردم به عملکرد مبارک، قذافی و صالح داده بودند. البته این اعتراضات از چیز دیگری نیز حکایت می‌کردند: عدم مشروعیت نظام‌های سیاسی که به جای اراده مردم، اراده و خواست اقلیتی خاص را پیش می‌بردند.

در واقع، یک نظام سیاسی زمانی دارای مشروعیت سیاسی است که اکثریت شهروندان، آن نظام را درست و عادل بدانند. یک نظام وقتی از مشروعیت برخوردار است، رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و پادشاهان خوب و بد می‌آیند و می‌روند اما نظام دچار تغییر و تحولاتی اساسی یا انقلابی نمی‌شود زیرا شهروندان حق حاکمیت دولت را به رسمیت می‌شناسند؛ در واقع شهروندان از نظام رضایت دارند حتی اگر یک رئیس دولت خاص را فردی لایق ندانند. به عنوان مثال در ایالات متحده، کسی در حق دونالد ترامپ برای اینکه به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا خدمت کند، شک ندارد؛ فارغ از اینکه نظرسنجی‌ها درخصوص نظر مردم درباره عملکرد او چه می‌گویند. با این حال به لحاظ تاریخی، مشروعیت سیاسی در آمریکا با چالش مواجه شده است. جنجال بر سر محل تولد باراک اوباما، آخرین نمونه از این دست چالش‌ها بود. این مسئله می‌توانست حق ریاست‌جمهوری باراک اوباما را زیر سؤال ببرد. هرچند آن جنجال (برخلاف جنگ داخلی بر سر برده‌داری) مسئله‌ای حاشیه‌ای بود که ثبات سیاسی را چندان دستخوش تلاطم نکرد. اگر نتایج انتخابات نوامبر سال ۲۰۱۶ متفاوت از آب درمی‌آمد، احتمالا هیچ‌کس در پیروزی رقیب ترامپ یا احتمال مداخله روس‌ها به نفع نامزدی خاص و مشروعیت‌زدایی از کل نظام سیاسی آمریکا تردید نمی‌کرد. البته مسئله ما در اینجا سوریه است. اگر رضایت شهروندان را کلید و معیار مشروعیت سیاسی بدانیم، آیا استدلال طرفداران بشار اسد از جمله روسیه و ایران در مشروع‌بودن دولت اسد درست نیست؟ شاید خانواده اسد و دایره نزدیکان در یک شرایط ایده‌آل بهترین گزینه ممکن برای حکمرانی بر سوریه نباشند اما ایران و روسیه در شرایطی از اسد حمایت می‌کنند که گزینه و بدیل مناسب و بهتری وجود ندارد. البته در مورد روسیه انگیزه‌های دیگری نیز در کار است. حفظ اسد در قدرت پیامی برای مردم روسیه دربر دارد: اینکه روسیه بار دیگر به یک قدرت بزرگ بدل شده است که می‌تواند زمین بازی را تغییر دهد و مچ ایالات متحده را در منطقه بخواباند. از دیگر سو، سیاست عجولانه و اشتباه ایالات متحده در تأکید بر لزوم کناررفتن بشار اسد از قدرت، این کشور را در موضعی قرار داده که از هیچ اقدامی برای زیرسؤال‌بردن مشروعیت اسد کوتاهی نخواهد کرد. تلاش واشنگتن برای بازنگه‌داشتن پرونده ادعایی استفاده دولت بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان در جنگ داخلی، تازه‌ترین اقدام آمریکایی‌ها برای زیرسؤال‌بردن مشروعیت بشار اسد است. با این حال، برگزاری مذاکرات صلح به ابتکار سازمان ملل و حضور نمایندگان دولت اسد عملا به معنای صحه‌گذاشتن بر مشروعیت دولت اوست. امری که تلاش‌های آمریکا برای مشروعیت‌زدایی از اسد را تا حد زیادی ناکام می‌گذارد. بنابراین جدال آمریکا و روسیه در سازمان ملل درخصوص تمدید مهلت تحقیق و تفحص درخصوص حملات شیمیایی را در ذیل این جدال برای مشروعیت سیاسی اسد باید تفسیر کرد. از دیگر سو باید اذعان کرد که مشروعیت رژیم اسد در نتیجه تحولات سال‌های اخیر و رفتارهای بعضا اقتدارگرایانه آن مانند گذشته نیست اما بسیاری در سوریه با وجود اشتباهات صورت‌گرفته، حضور بشار اسد در قدرت را به سقوطش ترجیح می‌دهند زیرا نسبت به خلأ قدرت ناشی از سقوط اسد و درگرفتن جنگ‌های بی‌پایان فرقه‌ای در نتیجه مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بیمناک‌اند. در واقع، عدم مشروعیت دولت بشار اسد در برخی از مناطق سوریه، خلأهایی را پدید آورد که القاعده و گروه‌های افراطی شبیه آن، از این خلأها بهره گرفتند. برخی مناطق از جمله مناطق کردنشین نیز به شکلی از خودگردانی روی آوردند. با این اوصاف، باید گفت که مشروعیت بشار اسد حداقل در برخی از مناطق سوریه زیر سؤال رفته است و هیچ کشوری نیز نمی‌تواند با قدرت نظامی این مشروعیت را به او بازگرداند. در واقع این مسئله است که می‌تواند آینده سوریه، تمامیت ارضی و پروژه بازسازی کشور را در معرض خطر قرار دهد. در صورت تداوم این وضعیت، از شش‌میلیون‌نفری که بعد از وقوع جنگ داخلی این کشور را ترک کرده‌اند، احتمالا افراد اندکی سودای بازگشت به وطن در سر خواهند داشت. بازگشت مشروعیت سیاسی به سوریه فرایندی زمانبر است که یک‌شبه محقق نخواهد شد. در واقع، دولت اسد به موازات تلاش برای بازسازی کشور باید با درس‌گرفتن از گذشته، در جهت ترمیم مشروعیت سیاسی خود در سطحی ملی برآید. بدون تردید، رضایت شهروندان، معیاری طلایی برای مشروعیت سیاسی نظام‌مند است و بدون این مشروعیت سیاسی، سوریه هیچ‌گاه رنگ پیشرفت و آبادانی را نخواهد دید.

اعتراض به سبک مسعود بارزانی

رئیس مستعفی اقلیم کردستان عراق با اشاره به اینکه اقدامات دادگاه فدرال بدون اتکا به اصول حقوقی و قوانین اساسی کشور انجام می‌شود، حکم این دادگاه درخصوص همه‌پرسی اقلیم را «یک‌جانبه و سیاسی» خواند. به گزارش ایسنا، به‌نقل از سایت شبکه تلویزیونی سومریه‌نیوز عراق، مسعود بارزانی، رئیس مستعفی اقلیم کردستان عراق در بیانیه‌ای در پی صدور حکم دادگاه فدرال عراق درباره همه‌پرسی استقلال اقلیم اظهار کرد: لازم است ساکنان اقلیم کردستان، عراقی‌ها و همه طرف‌ها بدانند که این دادگاه پیش از تصویب قانون اساسی تشکیل شده و به‌همین‌دلیل لازم است پس از تصویب قانون اساسی در سال ۲۰۰۵ این دادگاه منحل و طبق ملاک‌های تعیین‌شده در بند ۹۲ قانون اساسی دوباره تشکیل و قانون ویژه آن صادر شود.

بارزانی افزود: تاکنون این قانون صادر نشده و این دادگاه همچنان کارها و فعالیت‌های خود را بدون استناد به هرگونه اصول قضائی و قوانین اساسی کشور انجام می‌دهد و این امر باعث شده دادگاه فدرال تحت‌تأثیر شرایط و حوادث سیاسی قرار گرفته، دچار انحراف مستمر از اصول قانون اساسی و به دادگاهی سیاسی تبدیل شود. نیچروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق نیز تأکید کرد ثبات عراق با اجرای بندهای قانون اساسی به شکل کامل و نه گزینشی محقق می‌شود و حکم دادگاه فدرال درباره همه‌پرسی یک‌جانبه صادر شد.

عقب‌نشستن مرکل

آنگلا مرکل صدراعظم آلمان گفت در صورت برگزاری انتخابات مجدد باز هم برای پست ریاست دولت نامزد خواهد شد. به گزارش دویچه‌وله، حدود پنج هفته احزاب سوسیال مسیحی، دموکرات مسیحی، سبزها و لیبرال‌های آزاد آلمان برای تشکیل دولت ائتلافی مذاکرات نفسگیری انجام دادند اما حزب لیبرال‌دموکرات‌های آزاد خروج خود از مذاکرات را اعلام کرد. آنگلا مرکل، رهبر حزب دموکرات مسیحی در مصاحبه با شبکه اول تلویزیون آلمان بار دیگر تأسف خود را نسبت به خروج حزب دموکرات‌های آزاد از مذاکرات تشکیل دولت جدید آلمان ابراز کرد. او درعین‌حال گفت در صورت برگزاری انتخابات مجدد در آلمان باز هم برای مقام ریاست دولت نامزد خواهد شد. مرکل می‌گوید نسبت به تشکیل «دولت اقلیت» زیاد خوش‌بین نیست و ترجیح می‌دهد که راه دیگری برای تشکیل دولت آینده آلمان در نظر گرفته شود. تصمیم نهایی دراین‌باره با رئیس‌جمهور، فرانک والتر اشتاینمایر است. سران حزب دموکرات‌های آزاد در مقابل می‌گویند که نقاط اشتراک احزاب نام‌برده برای ایجاد ائتلاف کافی نبوده است. ولفگانگ کوبیکی، نایب‌رئیس این حزب معتقد است آنها صادق بوده و به‌موقع از مذاکرات دوری جسته‌اند. در مقابل، حزب سبزها معتقد است مذاکره‌کنندگان در مسیر درستی حرکت کرده و احتمال اینکه آنها در زمینه‌های گوناگون به توافق نسبی دست یابند، وجود داشته است. مرکل هم تأیید کرد حزب سبزها در بسیاری از موضوعات مورد بحث، با حزب او به توافق نسبی رسیده‌اند.

افشاگری علیه اوباما

یکی از روزنامه‌نگاران سرشناس نیویورک‌تایمز فاش کرد دولت باراک اوباما عامدانه قدرت القاعده را در آستانه حضور مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۲ کم‌اهمیت جلوه داد. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه نیوزمکس، خانم روکمینی کالیماچی، روزنامه‌نگار آمریکایی-رومانیایی نیویورک‌تایمز با اشاره به ۱۷ سند دست‌نوشته‌ای که ماه می ۲۰۱۲ از سوی دولت اوباما منتشر شد، گفت: گمان می‌کنم عمده مطالبی که آن زمان به رسانه‌ها منتقل شد، تلاش کرد تا نشان دهد اسامه بن‌لادن ضعیف شده و کنترلش را بر این گروه از دست داده است.

کالیماچی در پاسخ به سؤال کیم دوزیر، خبرنگار سابق آسوشیتدپرس و سی‌بی‌اس درباره اینکه آیا اطلاعات غرب حقیقت «قدرت» درباره این گروه تروریستی رادیکال را پنهان کرد، گفت: گمان می‌کنم کشتن بن‌لادن تئوری بسیار بزرگ‌تری داشت.

او افزود: رئیس این سازمان کشته شد و ما با عناوینی مانند این سازمان تخریب شده، نابسامان شده و رو به افول است، مواجه می‌شویم. هم‌زمان با اینکه ما برای خروج نیروهایمان از عراق و افغانستان آماده می‌شدیم، گمان می‌کنم این مسئله اهمیت داشت که آن را به‌عنوان موضوعی تمام‌شده، نشان دهیم. زمانی که کالیماچی در ۲۰۱۱ اوضاع غرب آفریقا را پوشش می‌داد، مقام‌های دولت اوباما و سایرین به او گفته بودند که القاعده در مغرب اسلامی که تقریبا بیش از نیمی از مالی را گرفته بود، در عمل ارتباط چندانی با القاعده نداشت.

نگاه

معامله‌ای قرنی در کار نیست

حافظ البرغوثی

● سیزدهمین سالگرد یاسر عرفات رئیس‌جمهور فلسطینی هم‌زمان بود با دیدار محمود عباس از ریاض به دعوت غیرمنتظره عربستان‌سعودی - به قول رسانه‌ها - و گمانه‌زنی‌های فراوان از جمله داستان‌پردازی‌های اسرائیلی درباره این دیدار. این در حالی بود که از مدت‌ها پیش محمود عباس خواستار این دیدار شده بود و تنها نکته جدید در آن تعیین زمان سفر بود؛ زیرا از قبل در کنفرانس جهانی جوانان در شرم‌الشیخ طرفین بر سر آن توافق کرده بودند.

گمانه‌زنی‌ها پیرامون سفر ابومازن به‌خصوص در رسانه‌های اسرائیلی و عربی بازتاب گسترده‌ای داشت. اما همه می‌دانند بین گروه‌های فلسطینی و عربستان اختلاف نظری نیست و از سوی دیگر اختلافات داخلی فلسطینی نیز زیر نظر مصر در مسیر آشتی بین فتح و حماس در حال حرکت است. آنچه ابومازن از مقامات سعودی در این دیدار شنید اختلافی با خط کلی و مرسوم سیاست‌های عربستان در قبال مسئله فلسطین نداشت. شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان به ابومازن گفت کشورش از آشتی فلسطینی‌ها حمایت می‌کند و در هر کنفرانس منطقه‌ای که فلسطینی‌ها با آن موافقت نداشته باشند شرکت نخواهد کرد. عربستان دراین‌باره کاملا مقید به موضع فلسطینی‌هاست. این موضع‌گیری تقریبا با شایعاتی که پیرامون فشار عربستان بر فلسطینی‌ها برای موافقت با به‌اصطلاح یک «معامله قرن» مطرح می‌شد و بعد شایعه فشار برای کناره‌گیری ابومازن کاملا در تناقض بود.

عربستان‌سعودی که مبتکر صلح عربی است و در آن طرح شرط کرده هرگونه عادی‌سازی روابط با اسرائیل منوط به ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی خواهد بود، چگونه می‌تواند ناگهان موضع خود را تغییر دهد؟ از طرف دیگر حرف‌هایی که درباره به‌اصطلاح یک «معامله قرن» زده می‌شود، کاملا مبهم است. آمریکایی‌ها گفتند خودشان خطوطی را برای آن مشخص کرده‌اند اما تا الان هیچ‌چیز روشنی در میان نیست. بنابراین مطالب منتشرشده دراین‌باره در رسانه‌ها خالی از دقت لازم بوده و نمی‌توان درباره آن سخنی گفت.

در کتابی که اخیرا دو روزنامه‌نگار آمریکایی به نام‌های گرانت رومللی و امیر تیپون تحت عنوان «آخرین فلسطینی... ماجرای قدرت‌گرفتن محمود عباس» منتشر کرده‌اند، از ابتدا تا انتها محمود عباس به شدت کوبیده شده و او را متهم می‌کنند که در جریان هولوکاست و سوزاندن یهودیان حضور داشته است. بعد او را متهم می‌کنند که طرح ایهود اولمرت و سپس طرح جان کری را که بنیامین نتانیاهو پذیرفته بود، رد کرد. آنها همچنین از ابوعمار انتقاد می‌کنند که فرصت کمپ دیوید را از دست داد و با حمایت از انتفاضه دوم بار دیگر مسیر رویارویی خشونت‌بار را برگزید. نویسندگان کتاب در مجموع می‌خواهند بگویند این فلسطینی‌ها هستند که صلح را نمی‌پذیرند. حال آنکه جان کری با سخنان چند روز پیش خود کاملا این مسئله را رد کرد و گفت عکس اسرائیل، فلسطینی‌ها کاملا صادقانه با مسئله صلح برخورد کرده‌اند. اظهارات کری درواقع پاسخی روشن بود به اظهارات و ادعاهای نویسندگان کتاب. آنها ابوعمار و ابومازن را با متر و معیار صلح با اسرائیل سنجیده و درباره آنها به داوری نشستند و ابوعمار را به این متهم کردند که یک پیشنهاد کاملا سخاوتمندانه را در کمپ دیوید نپذیرفت. بعد دولت بیل کلینتون نیز او را متهم به آن کرد که شریک واقعی نیست و همین شد چراغ سبزی برای ترور عرفات و متهم‌کردن او به اینکه میلیون‌ها دلار غارت کرده است. حال آنکه بعد از ترور عرفات معلوم شد او اصلا هیچ پولی در حسابی خاص نداشته یا اموالی منقول برای خود نگه نداشته است. آنچه در کمپ دیوید اتفاق افتاد، این بود که اسرائیلی‌ها «در حرف» صحبت از عقب‌نشینی می‌کردند و هنگامی که نوبت به بررسی وضعیت بیت‌المقدس رسید، نقشه‌ای از شهر را آوردند و از عرفات خواستند آن را امضا کند که او هم نپذیرفت.

درمورد ابومازن نیز در اواخر دوران ایهود اولمرت دیدیم که مسئله فساد را علیه او مطرح کردند و بعد اولمرت نقشه‌ای از کرانه باختری را به او نشان داد که مرزها و نقاط عقب‌نشینی اسرائیل را مشخص می‌کرد. بعد از او خواستند آن را امضا کند. ابومازن یک نسخه از آن نقشه را خواست تا با رهبران فلسطینی درباره‌اش گفت‌وگو کند اما اولمرت آن را نپذیرفت.

مشکل به‌اصطلاح «معامله قرن» بیشتر به اقناع دست‌راستی‌های اسرائیل برمی‌گردد تا گروه‌های فلسطینی. طبق آنچه تاکنون درز کرده، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به لحاظ شخصی به همان فرمول راه‌حل دو دولت بازگشته است. او اکثر مواردی را که در طرح کری آمده پذیرفته است؛ از جمله استقرار نیروهای آمریکایی یا نیروهای چندملیتی در گور اردن. اما شنیده می‌شود گروهی که داعیه‌دار این معامله بزرگ هستند تلاش می‌کنند بیشتر خواسته‌های اسرائیل را برآورده کنند و این همان چیزی است که فلسطینی‌ها از قبل آن را رد کرده‌اند و تمام کشورهای عرب نیز آن را رد می‌کنند. بنابراین هیچ فشاری از سوی عربستان یا دیگران در کار نبوده و نیست.

منبع: الخلیج